

اقتصاد ایران و عارضه سوخت‌بری

کولبری و سوخت‌بری در شأن مردم مظلوم ایران نیست. سهم آنان از سفره اقتصاد جهان نباید تا این حد باشد. این عارضه در شأن اقتصاد کشوری غنی چون ایران نیست؛ اما به‌راستی راه نجات از این مسئله چیست؟ آیا باید یارانه بیشتری به مرزنشینان بدهیم تا دست به چنین تجارت خطرناکی نزنند؟

به گزارش سایت خبری پرسون، ناصر ذاکری- کارشناس اقتصادی در یادداشتی نوشت:

سه‌شنبه گذشته رئیس‌جمهوری در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت به نکته بسیار ویژه‌ای اشاره کرد: «پدیده‌هایی نظیر کولبری و سوخت‌بری آسیب‌های جدی اقتصادی و اجتماعی دارد و به‌هیچ‌وجه در شأن و منزلت مردم و کشور نیست و باید همه تلاش کنند این وضعیت ناهنجار سریعاً سامان یابد». تجارت مرزی و مبادله کالا در مرزها توسط جمعیت بومی امری طبیعی است و حتی می‌تواند موجب رشد اقتصاد منطقه و توسعه نوع خاصی از گردشگری شود. باین‌حال آنچه در اقتصاد ملی ما با عنوان تجارت مرزی در حال انجام است، در بیشتر موارد تصویری شگفت‌آور از ابعاد بیماری اقتصاد ملی را به ناظران و اهل فن ارائه می‌دهد. آیا درحالی‌که به مدد توسعه فناوری، تجارت و مبادلات بانکی در سراسر جهان پیشرفت‌های شگرف حتی نسبت به چند دهه پیش داشته و تسهیل فرایند مبادلات بین اقتصادها با سرعت در حال گسترش است، می‌توان حمل کالا توسط انسان در فاصله‌ای طولانی و در کوهستانی با سرمای کشنده یا حمل بنزین با روشی غیراصولی و خطرآفرین به آن‌سوی مرز را مصداق «تجارت مرزی» دانست؟

علت بروز چنین پدیده‌هایی در اصل بیماری اقتصادی ملی و انتخاب رویکرد نادرست در مدیریت و رتق‌وفتق امور کشور است. به‌راستی اگر اقتصاد ایران یک اقتصاد مولد باشد و از هر فرصتی در دورافتاده‌ترین مناطق کشور برای گسترش تولید و خلق ارزش استفاده شود، اگر تجارتی سالم و رونق‌آفرین بین اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی برقرار باشد، آیا بازهم یک جوان کرد جویای شغل حاضر خواهد شد باری سنگین را بر پشت خود نهاده و در سرمای کشنده کوهستان بی‌رحم به قمار دردناک مرگ و زندگی دست بزند؟ آیا بازهم هموطن بلوچمان با دردسر فراوان به جمع‌آوری بنزین از پمپ‌بنزین‌های متعدد و انتقال آن به کشور همسایه با خطر فراوان به امید کسب درآمدی که با فعالیت سالم اقتصادی برایش مقدور نیست، خواهد پرداخت؟ آنچه چنین فعالیت‌هایی را توجیه‌پذیر می‌کند، شرایط خاص اقتصاد کشور است. در سایه بی‌توجهی به الزامات تقویت تولید ملی، فعالیت‌های دلالی با رشدی نجومی گسترش یافته و فضا را برای فعالیت سالم تولیدکنندگان واقعی تنگ کرده است. اعطای تسهیلات رانتی هنگامی که به برخی افراد موجب شده دست تولیدکنندگان از منابع بانکی کوتاه شود و بنیه مالی ضعیف بخش مولد اقتصاد ضعیف‌تر و شکننده‌تر شود.

از سوی دیگر تحریم‌های تحمیل‌شده از خارج (تحریم ظالمانه توسط آمریکا) و تحریم داخلی (نپذیرفتن قواعد تعامل مثبت با جهان و ردّ پیوستن به FATF) موجب شده فرصت اندک حضور در بازارهای جهانی و منطقه نیز به‌راحتی از دست برود و رقابای منطقه‌ای با کمترین زحمت جایگزین شوند. روشن‌ترین مثال آن تعلل در راه‌اندازی فرودگاه بین‌المللی امام خمینی و مواردی از این قبیل بود که در چند دهه گذشته به فرایند تثبیت موقعیت فرودگاه دوبی به‌عنوان مرکز خدمات‌رسانی به خطوط هوایی بین شرق آسیا و اروپا بیشترین و بهترین کمک را کرد؛ به‌طوری‌که اینک این فرودگاه به‌عنوان یکی از معتبرترین فرودگاه‌های جهان با هزار و ۵۰ پرواز در شبانه‌روز به فعالیت و کسب درآمد و اعتبار برای اقتصاد امارات متحده عربی مشغول است و ما درگیر اقداماتی مانند انتقاد از وزیر خارجه‌مان هستیم که چرا در فلان فرودگاه اروپایی به هواپیمایش بنزین ندادند. مشکل اقتصاد ایران، ازدست‌دادن فرصت‌های ارزشمند رشد و توسعه است. در شرایطی که همه کشورها سیاست خارجی‌شان را در خدمت اقتصادشان قرار می‌دهند و با این ترتیب راه توسعه آینده خود را هموار می‌کنند، مسئولان در ایران به این مسئله کم‌توجه هستند و حتی در مقطعی رئیس دولت نهم می‌خواست با تأمین هزینه سازمان ملل این نهاد بین‌المللی را تحت نفوذ خود دربیآورد.

رئیس‌جمهوری در سخنان هفته گذشته خود بر نکته مهمی انگشت گذاشته که موضوعی انکارناپذیر است. بله؛ کولبری و سوخت‌بری در شأن مردم مظلوم ایران نیست. سهم آنان از سفره اقتصاد جهان نباید تا این حد باشد. این عارضه در شأن اقتصاد کشوری غنی چون ایران نیست؛ اما به‌راستی راه نجات از این مسئله چیست؟ آیا باید یارانه بیشتری به مرزنشینان بدهیم تا دست به چنین تجارت خطرناکی نزنند؟

نجات اقتصاد ملی و بازگرداندن شأن و منزلت هموطنان مرزنشین که از سر ناچاری به مشاغلی دشوار از نوع کولبری و سوخت‌بری متوسل می‌شوند، در قدم اول در گرو تلاش برای رفع تحریم‌ها و رفع همه موانع پیوستن به قافله اقتصاد جهانی است که با سرعت در حال دورشدن از ماست، و در قدم دوم در گرو مبارزه بی‌امان با فساد و رانت‌خواری و مناسبات خاص اقتصادی است که وجه بارز آن «سلطان‌پروری» است. این مبارزه بی‌امان فرصت‌های دلالی و رانت‌خواری را از دست فرصت‌طلبان میدان اقتصاد (و البته سیاست) که فاصله میلیون تا میلیارد و اینک هزار میلیارد را در یک چشم برهم‌زدن طی کرده‌اند و در سایه روابط سازنده به طبقه ممتاز جدید کشور مبدل شده‌اند، برای همیشه درخواهد آورد.

منبع: شرق